

پسوندهای اسم‌ساز در گویش‌های لری

غلامرضا عزیزی

کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی

از آنجا که حوزه کاربرد گویش‌های لری امروزه در استان‌های لرستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و همچنین در بخش‌هایی از استان‌های ایلام، همدان، خوزستان، فارس، اصفهان، کرمان، بوشهر، قزوین و سمنان است، لذا پیش از ورود به بحث، ذکر این نکته لازم است که منظور از گویش‌های لری در اینجا، گویشی است که در شهرهای خرم‌آباد، بروجرد، اشترینان (در استان لرستان) و نهاوند (در استان همدان)، با تفاوت‌هایی بدان گفت‌وگو می‌شود.

همچنین به این نکته باید توجه نمود که لری در شاخه گویش‌های جنوب غربی فارسی نو قرار دارد و با فارسی معیار امروزی هم‌ریشه است، از این‌رو، ساختمان واژه در لری مشابه فارسی معیار و به چهار شکل ساده، اشتقاقی، مرکب و نام‌آوا است و واژه اشتقاقی از سه طریق و با استفاده از پیشوند، میانوند و پسوند ساخته می‌شود.

هم‌ریشه بودن لری و فارسی معیار موجب گردیده تا بسیاری از پسوندهایی که در دوره فارسی میانه وجود داشته است، به شیوه‌ای مشترک (و گاه با اندک تفاوتی) به فارسی معیار و لری منتقل شود.

اسم ابزار:	ماله māla : لری
اسم مصدر:	نالہ nāla : لری
گریه	gürga بروجردی / geriva : خرم‌آبادی
- به اسم عام می‌پیوندد و اسم معرفه می‌سازد.	
مرد	marda : بروجردی

۲. -ak

این پسوند، که از فارسی میانه گرفته شده و در فارسی معیار نیز به کار می‌رود، در ترکیب با اسم، اسم ابزار ساخته است.

قرقره	čarxak : لری
سوت (وسیله)	šitak : خرم‌آبادی

۳. -āla

پسوند -āla نشان‌دهنده نسبت است، به اسم افزوده شده و اسم جدیدی می‌سازد:

کلیه، قلوه	gordāla : لری
نحیف و لاغر: خرم‌آبادی / ریز و کوچک، هسته زردآلو: اشترینانی	čenjāla

۴. -ča

پسوند -ča (فارسی معیار- چه: -če) در ترکیب با اسم، اسم مصغر می‌سازد.

تشکچه	nāliča : بروجردی، خرم‌آبادی
نیمه، نصفه	nimča : بروجردی، خرم‌آبادی
تاقچه	taqča : بروجردی، اشترینانی

۵. -či

-či پسوندی ترکی است که در ترکیب با اسم، صیغه شغلی یا اسم فاعل می‌سازد.^۳

کاسب دوره‌گرد (چرخ‌چی)	čarči : نهاوندی، اشترینانی
------------------------	----------------------------



۶. du-

پسوندها *du-* (بروجردی) / *-do* (خرم‌آبادی) با اسم ترکیب شده و اسم مکان می‌سازد. (فارسی معیار- دان؛ توضیح اینکه *ān* های پایانی فارسی در گویش بروجردی به *u* و در خرم‌آبادی به *o* تبدیل شده است). همچنین این پسوند «به اعضای ظرفی شکل بدن انسان یا حیوان دلالت» دارد.^۴

قندان *qando/u*

رحم، زهدان *bačado*: خرم‌آبادی

در موارد زیر این پسوند به صورت *-dong* درآمده است.

شیردان گاو و گوسفند *širdong*: خرم‌آبادی، بروجردی

بادکنک، شش (در اصل: مثانه گوسفند) *pofdong*: بروجردی

۷. eka-

در بروجردی *-eka* پسوند سازنده اسم معرفه است. همچنان‌که پیش از این بیان شد پسوند اسم معرفه‌ساز در لری *-a* است. هنگامی که پسوند *-a* به واژه مختوم به مصوت افزوده گردد صامت میانجی *k* ظاهر می‌گردد. مانند *xunaka* (آن خانه): بروجردی، *korka* (پسره): خرم‌آبادی.

اما به نظر می‌رسد اسم معرفه‌هایی که با پسوند *-eka* ساخته شده‌اند در واقع دو بار علامت اسم معرفه را گرفته‌اند. بار نخست با علامت اسم معرفه‌ساز *-e* در فارسی معیار و بار دوم با علامت اسم معرفه‌ساز لری معرفه شده‌اند. *-eka* به‌عنوان پسوند تصغیر نیز به‌کار می‌رود.

۸. ela-

پسوندها *-ela* نشانه تصغیر است و در ترکیب اسم مصغر می‌سازد. گونه دیگر این پسوند *-la* است.

آدم‌های کوتاه و چاق *genela*: خرم‌آبادی / *gonela*: اشترینانی، بروجردی

خیلی ریز، خرد و کوچک *hirdela*: خرم‌آبادی / *rizela*: بروجردی

پرنده‌ای کوچک به اندازه گنجشک *bāzela*

۹. elak-

این پسوند که در واژه *pofelak* «تاول» دیده می‌شود ظاهراً از دو پسوند *-ela* و *-k* ساخته شده و نشانه تغییر است.

-elo ۱۰

پسوندهای -elo (قس در فارسی معیار-لان) به اسم افزوده می‌گردد و اسم مکان می‌سازد.

نمک لان، معدن نمک، نمکزار نمک آبادی: nemakelo

لانه زنبور گونجه آبادی، اشترینانی gonjelo

گوشه بروجردی / sikelo: sikelo خرم آبادی

این پسوند در واژه morqelo به معنی «مرغ و جوجه‌هایش با هم»^۶ به کار رفته است.

-emo ۱۱

پسوندهای -emo خرم آبادی / emu- بروجردی معادل پسوند-مان در فارسی معیار است که به بن

مضارع می‌پیوندد و از آن اسم مصدر می‌سازد.

زایمان zāyemo/u

-ena ۱۲

در واژه زیر به اسم افزوده شده و اسم جدیدی ساخته است:

سرگین غلطان čosena: اشترینانی، بروجردی

در واژه زیر به بن مضارع افزوده شده و اسم فاعل ساخته است:

رقاص bāzena: لری^۷

-enak ۱۳

این پسوند در واژه زیر به صفت افزوده شده و اسم ساخته است:

خسک، نوعی خار که به لباس می‌چسبد dūsenak: اشترینانی، بروجردی / disenak خرم آبادی

(پسوند -enak با پسوند فارسی میانه -enak که در فارسی دری-ینه / -ine شده قابل مقایسه

است).

-essu ۱۴

پسوندهای -essu بروجردی / eso- خرم آبادی معادل پسوند-ستان در فارسی معیار است که در دو

نقش اسم زمان‌ساز (تابستان toweso: خرم آبادی / tavessu: بروجردی) و اسم مکان‌ساز (شبستان

:šavessu) به کار می‌رود.



۱۵. -ešt

پسوندها -ešt صورت دیگری از پسوند اسم مصدرساز -išn در فارسی میانه است که در فارسی نو بیشتر به صورت -eš (ش) به کار می‌رود.

رزد و سوزش قسمتی از بدن zeništ : نهانندی / zenešt : لری
ریزش romešt : بروجردی، اشرینانی

۱۶. -ey

پسوندها -ey بروجردی / -ē خرم‌آبادی، نشان‌دهنده اسم نکره و وحدت است.

خانه‌ای xuney : بروجردی
پسری korē : خرم‌آبادی

۱۷. -gā

این پسوند معادل پسوند -gā (با حذف صامت پایانی) در فارسی معیار است که به اسم می‌پیوندد و اسم مکان می‌سازد:

آرایشگاه ārašgā

۱۸. -ič

پسوندها -ič اسم مصغرساز است در ترکیب با اسم:

گل پنبه golič : نهانندی

۱۹. -iča

صورت دیگری از پسوند اسم مصغرساز -iča است.

دریچه dariča

۲۰. -ižna

در واژه derižna «دریچه»^۱ اسم مصغر ساخته است.

۲۱. -ila

این پسوند ظاهراً گونه‌ای دیگر از پسوند اسم مصغرساز ula- است که به‌زودی به آن اشاره خواهد شد.

دسغاله، داس کوچک برای درو کردن گندم
dāsila : خرم‌آبادی

لگنچه
tāsila : خرم‌آبادی

۲۲. -ka

در واژه‌های زیر به اسم افزوده شده است.

آب بینی
mofka : بروجردی، خرم‌آبادی

آب دهان، تف
tofga : اشترینانی / tofka : بروجردی، خرم‌آبادی

۲۳. -la

پسوند سازنده اسم مصغر است در ترکیب با اسم. (صورت دیگر این پسوند ela- است).

فرزند
rula : لری

در خرم‌آبادی: جوجه‌تیغی / در بروجردی و اشترینانی: نوعی جوجه‌تیغی، خرده چوب
čula

۲۴. -ula

پسوند اسم مصغرساز

دسغاله، نوعی داس کوچک
dāsūla بروجردی / dāsula : اشترینانی

چهار دست و پا راه رفتن (در ترکیب با فعل kerde/a «کردن»)
gāmula : لری

در gazula «گزانگبین» این پسوند^۹ به اسم افزوده شده و اسم جدیدی ساخته است.

۲۵. -üja

این پسوند به اسم افزوده شده و اسم مصغر ساخته است.

کرمک
kermüja : اشترینانی، بروجردی

مورچه
mürüja : بروجردی

به‌نظر می‌رسد که این پسوند (خصوصاً در واژه نخست) از پسوند فارسی میانه -izag باقی مانده باشد. در این صورت g پایانی حذف شده و z به j تبدیل شده است. در تبدیل i به u نیز قیاس



افراطی صورت پذیرفته است. شایان ذکر است که -او(u)های کشیده در برخی از گویش‌های لری به ای (i) کشیده تبدیل شده ولی این گونه -او(u)ها در گویش بروجردی به ã تبدیل گشته‌اند. در واژه زیر پسوند -tija به رنگ افزوده شده و اسم ساخته است:

سرخک ¹⁰sürtija (قس → sorežga)

۲۶. -uk

در نمونه‌های زیر پسوند -uk به واژگان مرکبی که از تکرار ساخته شده‌اند پیوسته و اسم ابزار ساخته است:

قرقره qerqeruk : نهانندی / perperuk : اشترینانی

پی‌نوشت‌ها

۱. مقیمی، افضل، بررسی گویش بویراحمد و ... شیراز، نوید شیراز، ۱۳۷۳، ص ۱۰۱.
۲. برخی «ه» در پایه را اسم تشبیه شده می‌خوانند. ر.ک. هاجری، ضیاء الدین، فرهنگ وندهای زبان فارسی، تهران، مؤسسه انتشارات آوای نور، ۱۳۷۷، ص ۲۶۷.
۳. برای موارد دیگر بنگرید به: عزیزی، غلامرضا، واژه‌های دخیل ترکی در گویش‌های لرستان، فصلنامه شقایق، س ۱، ش ۳ و ۴ (پاییز و زمستان ۱۳۷۶)، ص ۳۲۵.
۴. هاجری، فرهنگ وندهای ...، ص ۱۳۹.
۵. همان، ص ۲۱۴-۲۱۳.
۶. ایزدپناه، حمید، فرهنگ لری، (ویرایش ۳)، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱، ص ۱۸۶.
۷. همان، ص ۹۷.
۸. همان.
۹. همان، ص ۱۷۱.
۱۰. همان، ص ۱۲۲.